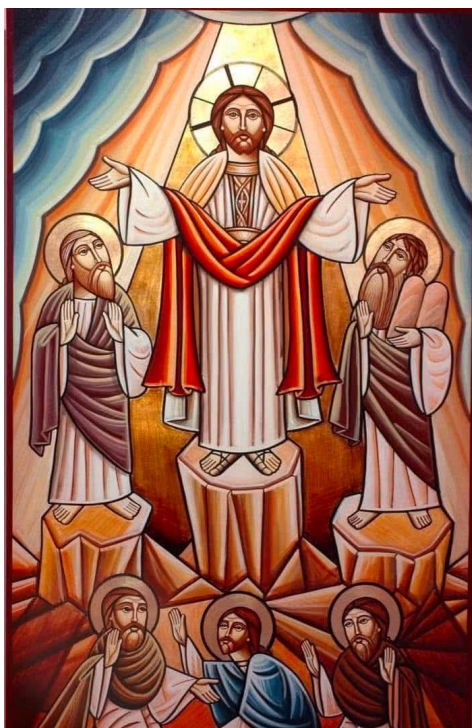




فردا، ۱۹ آگوست ۲۰۲۶، کلیسا عید مبارک تجلی (ظهور و آشکار شدن خداوند) را جشن می‌گیرد. در این روز، کلیسا یاد و خاطره تجلی خداوند و خدای ما و نجات‌دهنده همگان، سرور ما مسیح را گرامی می‌دارد؛ هنگامی که بر کوه تابور تجلی فرمود و در آن هنگام سه تن از شاگردانش، یعنی مار پطرس رسول، مار یعقوب رسول و مار یوحنا رسول، همراه او بودند. این همان چیزی است که خداوند درباره آن فرمود: بهراستی به شما می‌گویم که بعضی از ایستادگان در اینجا هستند که تا پسر انسان را نبینند که در پادشاهی خود می‌آید، موت را نخواهند چشید. (متی ۱۶: ۲۸)

و خداوند وعده خود را به‌زودی تحقق بخشید. زیرا شش روز پس از این سخن، عیسی، پطرس و یعقوب و یوحنا را با خود برداشت و ایشان را به کوهی بلند برد و در خلوت، در برابر آنان، هیئت او تغییر یافت. چهره‌اش مانند خورشید درخشید و جامه‌هایش همچون نور سفید شد. و ناگاه موسی و ایلیا بر آنان ظاهر شدند و با او سخن می‌گفتند. چهار گروه از اشخاص در آنجا حضور داشتند: موسی نبی که روحش بدون بدن بود؛ ایلیا نبی که زنده و با بدن به آسمان برده شده بود؛ و سه شاگرد، یعنی پطرس، یعقوب و یوحنا.

و چه کسی جز خداوند خود می‌توانست چنین جمعی را گرد هم آورد؟ زیرا چگونه ممکن بود موسی از عالم اموات بیاید و ایلیا از آسمان؟ چنین کاری تنها از کسی ساخته است که سلطان مطلق دارد.

و شگفت‌انگیزتر آنکه موسی و ایلیا با خداوند درباره خروج او که می‌بایست در اورشلیم به انجام برسد سخن می‌گفتند.

سه شاگرد، نماد کلیسای مجاهده هستند؛ کلیسایی که هنوز در جهان و در سرزمین غربت خود در حال جهاد است. موسی و ایلیا نیز نماد کلیسای پیروزمند در آسمان هستند. و این حقیقت را به ما نشان می‌دهد که کلیسای مجاهده ما در زمین با کلیسای پیروزمند در آسمان در ارتباط و مشارکت است و هر دو، یک کلیسا و یک جماعت در مسیح هستند.

هنگامی که پطرس گفت:

اگر بخواهی، در اینجا سه خیمه برپا کنیم؛ یکی برای تو، یکی برای موسی و یکی برای ایلیا، در این سخن هم ضعفی در درک او وجود داشت و هم نوعی ادب. ضعف او از این جهت بود که تصور می‌کرد خداوند به خیمه‌ای نیاز دارد تا او را از نور و تابش خورشید بپوشاند. و ادب او از آن جهت بود که برای خود و دو شاگرد دیگر، همان چیزی را که برای مسیح و موسی و ایلیا درخواست کرده بود، نخواست.

و نباید از کمبود درک شاگردان تعجب کنیم، زیرا در آن زمان هنوز در ایمان و شناخت خود به کمال نرسیده بودند.

هنوز پطرس سخن می‌گفت که ابری درخشان آنان را دربر گرفت و بر ایشان سایه افکند، تا پطرس دریابد که خداوند نیازی به خیمه‌ای ساخته دست انسان ندارد.

آنگاه صدایی از ابر آمد تا الوهیت و مقام یگانه مسیح را در دل شاگردان تثبیت کند و گفت:

این است پسر حبیب من که از او خشنودم؛ به او گوش فرا دهید.

هنگامی که شاگردان این صدا را شنیدند، بر روی خود افتادند و بسیار ترسیدند. آنگاه مسیح با دست مبارک خود آنان را لمس کرد و فرمود:

برخیزید و نترسید.

پس چشمان خود را بلند کردند و جز عیسی، کسی را ندیدند.

عید تجلی، یکی از اعیاد سیدی کوچک کلیساست؛ عیدی که سرشار از جلال است، هرچند ارتباط آن با عمل نجات‌بخش مسیح به صورت مستقیم نیست. با این حال، اهمیت بسیار زیادی دارد، زیرا واقعه تجلی در سه انجیل متی، مرقس و لوقا به ثبت رسیده است.

باشد که نور و جلال تجلی خداوند، دل‌های ما را نیز روشن سازد و ما را یاری کند تا در کلیسای مجاهده، با امید به مشارکت در جلال کلیسای پیروزمند، در ایمان و محبت و تقدس زندگی کنیم.

برای خداوند و پادشاه و نجات‌دهنده ما، سرور ما مسیح خداوند، پسر خدای زنده، جلال باد، اکنون و همیشه و تا ابدالابد. آمین.....